

اظهاریه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از توافق روی قطع حمله به مناطق مسکونی استقبال می کنیم

این توافق باید به آتش بس کامل و صلح بین دو کشور تبدیل شود

د ر صفحه ۳

رژیم خبر از ۷۰ "قارنا"ی جدید می دهد

خانه های گلین آن بر سر ساکنینش فرو داده ، روستایی که خالی از مکنه شده ، روستایی که خاک آن از خون فرزندان مبارز خلقی که حق حیات می طلبید ، رنگین گشته ۰۰۰ چنین است تصویریک روستای "پاکسازی" شده و حال رژیم به یکباره از "پاکسازی" ۷۰ روستایعنسی از ۷۰ "قارنا"ی جدید ، خبر می دهد .
بقیه در صفحه ۵

بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی خبر از یک موج سرکوب و کشتار وسیع در کردستان داده است . بنا بر نوشته چراید ۲۷ تیرماه ، در جریان عملیات ۵ مرحله ای "قائم آل محمد" ۷۰ روستای کردستان در محدوده مرزبان ، دیواندیره و سفز باصطلاح "پاکسازی" شده اند .
"پاکسازی" در قاموس رژیم ، بارروشنی دارد : روستایی به توپ بسته شده ، روستایی که سقف

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۱۵ تیر ۱۳۶۳ برابر ۶ ژوئیه ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۱۴

گزارشی از اوین ، آوردگاه شرف انسانی و درنده خویی حیوانی

د ر صفحه ۶

ج ۱۰. در گویی های خود را بر ملا می سازد

سلاحهای شیعایی ، رژیم برای پرده افکندن بر روی شکست عملیات خبیر ، یک کارزار تبلیغاتی در این مورد به راه انداخت و فرصت رامغتنم دید تا علاوه بر عوامفریبی برای گرم ساختن بیشتر تنور جنگ ، به این تبلیغات یک جهت ضد شوروی نیز بدهد ، با این هدف که امپریالیستها را با

بقیه در صفحه ۹

رژیم جمهوری اسلامی ، برای جلب نظر امپریالیستها ، از هر بهانه ای برای دامن زدن به هیستری ضد شوروی ، بهره می جوید و برای این منظور ، گاه آن چنان بی گدار به آب می زند که خود وای می ماند چگونه دروغهایش را کنار هم بگذارد و به نوعی سروته قضیه را بهم آورد .
به دنبال مطرح شدن استفاده عراق از

نقش امپریالیسم آمریکا در بحران خلیج فارس ②

"بحران تنگه هرمز" و استفاده آمریکا از آن

عراق اداهه باید ، جلوگیری از گسترش آن به خلیج فارس ممکن نیست . در جنگ ، طرفین متخاصم از هر وسیله ای برای زدن ضربه نظامی و اقتصادی به یکدیگر استفاده می کنند . "جنگ محدود" وجود ندارد .

به دنبال تهدید عراق مبنی بر همد ف قرارداد ن تریمینال نفتی خارك (با هدف قطع صد و نفت ایران) ، جمهوری اسلامی متقابلاً اعلام کرد اگر نتواند نفت صادر کند ، تنگه هرمز

بقیه در صفحه ۴

حدود ۹ ماه پیش ، برای نخستین بار مساله پستن تنگه هرمز بعنوان یک خطر جدی مطرح گردید . "بحران تنگه هرمز" که نتیجه مستقیم و اجتناب ناپذیر ادامه جنگ فرسایشی میان ایران و عراق بود ، از سوی آمریکا برای به اجرا درآوردن خطرناکترین توطئه نظامی در منطقه مورد استفاده قرار گرفت . این امری کاملاً قابل پیش بینی بود که اگر جنگ ایران و

اسمال نیز در ایران ، در آخرین جمعه ماه رمضان ، مراسمی تحت عنوان بزرگداشت "روز قدس" برگزار گردید . مراسم اسمال نیز مانند مراسم سال گذشته ، بدون حضور مردم و به نحوی حقیرانه و فرمایشی ، برپا شد . رژیم جمهوری اسلامی ، اسمال نیز ناچار شد برای پرکردن میادین محل برگزاری مراسم ، وسیعاً از نیروهای نظامی و انتظامی استفاده کند تا عدم حضور و شرکت مردم پوشیده بماند . در حالیکه در سالهای اول پس از انقلاب ، مراسم "روز قدس" از سوی مردم و نیروهای مترقی بنحوی گسترده ای مورد استقبال قرار می گرفت . در آن زمان ، با وجود عملکرد سوء محافظ ارتجاعی و تنگ نظر و با وجود سیاست کج و معوج جمهوری اسلامی در قبال جنبش فلسطینی ، شکوهمندی اجتماعات و تظاهرات این روز تا حد و دی بیانگر همبستگی عمیق میان مردم ما و خلق فلسطین بود .

در همان سالهای سیاه دیکتاتوری شاه ، میان مبارزه مردم ما علیه رژیم شاه و مبارزه مردم فلسطین علیه صهیونیسم ، پیوند و ارتباط تنگاتنگی وجود داشت . کمک ها ، می مقابل سازمانهای رزمنده فلسطینی و سازمانهای

بقیه در صفحه ۲

اتحادیه کارگران پیشرو دوب آهن پاکستان:

مبارزان سیاسی و کارگران زندانی

در ایران را آزاد کنید! در صفحه ۱۰

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

”روز قدس“ جنبش فلسطین و جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

انقلابی ایرانی و از جمله سازمان ما، جلوه‌ای از پیوندی بود که میان مبارزه خلقهای مبارز شده بود. در شعارهای مبارزاتی که به انقلاب و به سرنگونی رژیم شاه منجر گردید، شعارهای ضد اسرائیلی جایگاه خاصی داشت. مردم ما به درستی دریافته بودند که مبارزه علیه امپریالیستهای آمریکایی و رژیم سرسپرده شاه در ایران، جدا از مبارزه علیه رژیم صهیونیستی اسرائیل، بمثابة سنگ رنجیری امپریالیسم در منطقه، نیست و مبارزه سازمانهای رهنموده فلسطینی مبارزه‌ای است که نه فقط در دفاع از حقوق حق مردم فلسطین، که در عین حال در حراست از حقوق همه خلقهای منطقه علیه مداخلات و تجاوزات رژیم صهیونیستی صورت می‌گیرد.

در پی پیروزی انقلاب بهمن، مردم انتظار داشتند که حاکمیت پس از انقلاب، رابستنیانی قاطع و موثر از جنبش فلسطین را در پیش گیرد. ولی از سوی دولت وقت و دیگر نیروهای راست درون حاکمیت جمهوری اسلامی، بطور گستاخانه‌ای در مناسبات با ناعاینده قانونی و منحصر بفرد مردم فلسطین یعنی ”سازمان آزاد بخش فلسطین“ (ساف) خرابکاری می‌شد. این نیروها از هیچ تشبیهی برای تخریب مناسبات فیما بین و تضعیف جنبش فلسطین ایانداشتند. اما همبستگی میان مبارزه خلقهای ایران و فلسطین چنان تعمیق یافته بود که اینگونه خرابکاریها هنوز نمی‌توانست راه بسط مناسبات را مسدود نماید.

سازمانهای انقلابی و مترقی ایران، از مذهب و غیرمذهبی، ضمن افشای پیگیری تحریکات سوءنیروهای راست و ارتجاعی حاکمیت، بنحوی فعال خواستار بسط این مناسبات بودند. بر چنین زمینه‌ای بود که در سال ۵۸ از سوی رهبران جمهوری اسلامی، آخرین جمعه ماه رمضان هرسال، بعنوان ”روز قدس“ برگزیده شد. از دیدگاه مردم این روز، فرصتی برای اظهار همبستگی و پیوند با مبارزه خلق فلسطین و ابراز انزجار از تجاوزات و مداخله جویی‌های رژیم صهیونیستی اسرائیل بود و به همین خاطر از آن استقبال می‌نمودند.

اما با وجود این تصمیم و با وجود پاره‌ای تصمیمات عملی مفید از قبیل اعلام رسمی قطع هرگونه مناسبات با دولت اسرائیل و به رسمیت شناختن ”ساف“ بعنوان نماینده و تنها نماینده مردم فلسطین، راه و روش جمهوری اسلامی در برخورد با مساله فلسطین دچار چنان تناقضات و آشفتگی‌هایی بود که دشمنان مردم فلسطین را دلگرم می‌کرد و مقامات رژیم صهیونیستی را به نتایج مخرب آن امیدوار می‌نمود. بر سبب مناسباتی که این تناقضات فراهم آورده بود، عوامل ارتجاع و ایادی

امپریالیسم کوشیدند دولت جمهوری اسلامی را در مقابل ”ساف“ و مبارزات مردم فلسطین قرار دهند. سرعت پیشرفت آنان حیرت‌انگیز بود. جمهوری اسلامی با درپیش گرفتن سیاستی مداخله‌گرانه، تنگ‌نظرانه و برتری‌جویانه تلاش کرد تا ”ساف“ را دنباله‌رو سیاستهای و روشهای خود نماید، با تاکید بر تفاوت‌های عقیدتی و مذهبی، سازمانهای فلسطینی را به تقابل و تخاصم با یکدیگر یکنشاند، همپا با ایدئولوگهای صهیونیستی مبارزه‌های بخش مردم فلسطین را جنگی مذهبی و انمود کنند، حقوق ”ساف“ را بهانه تنها نمایند مردم فلسطین انکار نماید، ”ساف“ و مردم فلسطین را از متحدین و دوستان خود در منطقه و جهان جدا کرده و منزوی سازد و ... این سیاست بطور شگفت‌آوری با سیاستهای شناخته شده اسرائیل همسویی نزدیکی داشت.

یکی از جلوه‌های به غایت کراهت‌بار عملکرد جمهوری اسلامی، چگونگی برخورد با مبارزه خلق فلسطین در هنگامه اشغال لبنان توسط اسرائیل بود. در حالیکه رزمندگان فلسطینی، در معرکه‌ای از خون و آتش محاصره شده بودند، همه امکانات عملی و تبلیغی جمهوری اسلامی در راه تحقیر، تضعیف و تخریب آنان و تخریب درگاه مبارزه متحدشان، بکار گرفته شده بود. آن سال در ایران مراسم ”روز قدس“ عرصه دیگری بود تا نیروهای مرتجع با بهانه مبارزه پیگیر علیه صهیونیسم به ردیانه‌ترین هتاک علیه خلق فلسطین و رزم شکوهمند آنان بپردازند.

با قبضه قدرت حاکمیت توسط نیروهای راست و محافظه کار، شعارهای ضد صهیونیستی به وسیله دیگری برای عوامفریبی و ریاکاری مبدل گردید. آنان که در آغاز کوشیده بودند با تاکید افراطی بر نقش صهیونیسم، بر نقش و عملکرد امپریالیسم در منطقه و حتی جهان پرده افکنند، این بار با صهیونیستی تأمین رژیم عراق می‌کوشند رژیم صهیونیستی اسرائیل را از زیر ضرب خارج نمایند. مبارزه با صهیونیسم را همان جنگ با عراق و انمود سازند. با شوا استفاده از نفرت مردم علیه رژیم اسرائیل نیروی مردم را در خدمت سیاستی بکار می‌گیرند که به امپریالیسم و نیز به اسرائیل نیرو می‌دهد. با بهانه گشودن ”راه قدس“ به جنگی ادامه می‌دهند که به سختی می‌توان بهره‌هنگفتی که ”رژیم اشغالگر“ از آن می‌برد را محاسبه نمود. با بهانه گشودن ”راه قدس“ به جنگی ادامه می‌دهند که به گزارش رسانه‌های بین‌المللی راه خلیج را به روی نیروهای رژیم اسرائیل می‌گشاید. در حالیکه همه نیروهای ترقیخواه جهان اعمال اسرائیل را، که به تشویق و هدایت متحد استراتژیک آن امپریالیستهای آمریکایی صورت می‌گیرد،

عامل اصلی تشنج و آشوب در منطقه می‌دانند، جمهوری اسلامی، با اغراض نسبت به آن، رژیم عراق را عامل اصلی تشنج و دشمن اصلی خلقهای منطقه معرفی می‌کند و ... بالاخره کار را به جایی می‌رساند، که فارغ از تنگ و نام مناسبات با اسرائیل را پنهانی از سر می‌گیرد و با این رژیم مغرور معاملات تسلیحاتی انجام می‌دهد اکنون که اجتماعات ”روز قدس“ تنها به صحنه‌ای برای تکرار شعارهای پرطمطراق و پسر آب و تاب بدل شده است، طبیعی است که از شرکت مردم در آن، هرسال بیشتر از سال پیش کاسته شود. اما ناگفته پیداست که کاهش روز افزون حضور مردم نه به معنی تخفیف و یا تضعیف همبستگی آنان با مبارزات خلق فلسطین، که به معنی اعتراض به عملکرد حاکمین جمهوری اسلامی است. هیچ چیز نمی‌تواند بر پیوند و همبستگی میان خلق ما با خلق فلسطین خللی وارد کند.

مردم هرچه بیشتر درمی‌یابند که اسرائیل از جنگ میان ایران و عراق و پیامدهای آن نیسرو می‌گیرد، از این رو خواستار قطع فوری جنگی هستند که ”به اسرائیل امکان داده است تا موقعیت بین‌المللی خود را تحکیم کنند.“ (اسحاق شامییر).

جنبه مبارزه مردم فلسطین علیه رژیم صهیونیستی اسرائیل، یکی از جنبه‌های اصلی نبرد خلقهای منطقه علیه امپریالیسم و ایادی آن است. اقدامات جمهوری اسلامی در تضعیف این جنبه و تحریف مضمون مبارزاتی آن و تخریب صفوف متحدان، انزجار مردم ما را برمی‌انگیزد. ”ساف“ تنها نماینده مردم فلسطین است. سعی جمهوری اسلامی در انکار این واقعیت و یا تجزیه این سازمان و یا تراشیدن نمایندگانی جعلی و موهوم در کنار آن، همراهی با امپریالیستهای آمریکایی و رژیم صهیونیستی است که ”با کوشش در تجزیه و برهم زدن سازمان آزادی بخش فلسطین“ (اعلامیه احزاب کمونیست و کارگری کشورهای عربی منتشره در ژوئن سال جاری) می‌خواهند راه انجام اهداف تجاوزگران خود را هموار نمایند. در تقابل با خرابکاریهای جمهوری اسلامی، مردم ما همراه با همه نیروهای انقلابی و مترقی منطقه و جهان ”براهمیت و ضرورت حفظ وحدت در سازمان آزادی بخش فلسطین“ بر پایه مشی ضد امپریالیستی و ملی و میهنی (همانجا) تاکید دارند.

مردم فلسطین و ساف در مبارزه خود از همبستگی و یاری بیدار کشورهای سوسیالیستی و پشتیبانی نیروهای ترقیخواه جهان برخوردارند و قبل از همه رژیم اسرائیل از تشبیهات مذبح خانه رژیم جمهوری اسلامی در گستاخ این همبستگی حمایت می‌کند.

مردم فلسطین در سالهای دراز مبارزه خونین خود، دوستان دروغین بسیاری دیده‌اند، بسیاری از رژیمهای منطقه، نبرد قهرمانانه خلق فلسطین را همچون وسیله‌ای بقیه در صفحه ۳

اظهاریه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) از توافق روی قطع حمله به مناطق مسکونی استقبال می کنیم این توافق باید به آتش بس کامل و صلح بین دو کشور تبدیل شود

دست از اغفال رذیلانه کودکان و قربانی کردن آنها در جبهه های جنگ بردارد و به تدارک نیرو برای ارتکاب جنایات تازه تر خاتمه دهد .

از پدران و مادران هموطن می خواهیم نگذارند مرتجعین حاکم جگر گوشه هایشان را در باتلاقهای جنوب سر به نیست کنند . مردم اجازه ندهند حکومت برای این جنگ خانمان سوز عزیزانشان را راهی جبهه ها کند .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ، از دولتین ایران و عراق می خواهد که در سراسر جبهه های جنگ فوراً آتش بس اعلام شود . تمام اختلافات و دشواریها باید به واسطه مراجع بین المللی و از طریق مذاکرات صلح حل و فصل شود .

ما امتناع دولت ایران از پذیرش آتش بس و عدم شرکت آن در مذاکرات صلح را بشدت محکوم می کنیم و اعتقاد داریم ، هر روز که ایران در پذیرش این پیشنهاد تاخیر کند ، همانطور که تا امروز ثابت شده است ، منافع ملی ما بیشتر بر باد خواهد رفت و موضع ایران برای حلال شرافتمندانه مساله جنگ با زهم بیشتر تضعیف می شود . اکنون باید توافق روی عدم بمباران شهرها و مناطق مسکونی ، به توافق روی عدم حمله به کشتی ها ، توافق روی عدم شلیک روی مواضع طرفین و به برقراری آتش بس کامل گسترش یابد .

از خلق قهرمان ایران ، از تمام کشورها و همه ی صله های صلح دوست و از تمام مراجع بین المللی می خواهیم که برای وادار کردن حکومت ایران به پذیرش این توافق ههای صلح جو یا نه مبارزه و تلاش خود را هر چه بیشتر گسترش دهند .

زنده باد صلح

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
۲۴ خرداد ماه ۱۳۶۳

”روز قدس“

بقیه از صفحه ۲

برای عوامفریبی و دغلکاری بکار گرفتند . بسیاری کوشیدند تا این مبارزه را در چارچوب منافع و روشهای خود به بند کشند . فلسطین برای آنان ، آنگونه که شاعر فلسطینی ، ”محمود درویش“ می گوید :

چونان مرغ افسانه ای بود

که تخم طلا می گذاشت

اما این رژیمها را از رسوایی گریزی نبود . اینک سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در کمین ”تخم طلا“ نشسته اند . آنان را نیکی از رسوایی گریزی نیست . واکش مردم مادر ”روز قدس“ جلوه ای از رسوایی آنان است .

جانی و مادی بیشتری را نصیب کشور ما می کند . ادامه جنگ نه تنها موقعیت ایران را برای تأمین حقوق و منافع خود به مثابه کشوری که مورد تجاوز قرار گرفته است هر روز بیشتر تضعیف می کند ، بلکه قهراً خطر گسترش جنگ به خلیج فارس و منطقه ای شدن آن را افزایش می دهد . در لحظه کنونی مهمترین خطری که اصراری معنای جمهوری اسلامی به ادامه جنگ متوجه میهن ما کرده است ، خطر گسترش آن به خلیج فارس ، منطقه ای شدن جنگ و مداخله هر چه گسترده تر امپریالیسم آمریکاست .

دو سال پیش زمانی که نیروهای متجاوز عراق از خاک کشور ما رانده شده و خرمشهر فتح شده بود ، سازمان فدائیان خلق ایران و حزب توده ایران در باره خطر فرسایشی شدن جنگ هشدار داده و ادامه جنگ را سیاستی به زیان منافع خلق ایران ارزیابی کردند . در طول این مدت ، ما بارها و بارها تأکید کرده ایم هر روز که جنگ ادامه پیدای کند موضع کشور ما بیشتر تضعیف می شود . دو سال پیش در چنین روزهای موضع کشور ما برای رسیدن به صلح کاملاً قوی و کاملاً برحق بود . اما هر روز که سران مرتجع و نادان جمهوری اسلامی جنگ را ادامه دادند ، جز زیان و مصیبت و فاجعه بیشتر هیچ چیزی نصیب مردم ما نکردند . این دو سال ، این سالهای سیاه ، نشان داد که سیاست و اعمال رهبری جمهوری اسلامی ایران عمیقاً بیخردانه ، ضد ملی و جنایتکارانه بوده است .

مردم ایران نخواهند بخشید بر حکام مرتجع و نادانی که دو سال پیش بهترین فرصتها را برای خاتمه دادن به جنگ از دست دادند و این همه خسارت و ویرانی و گورستان بسرای ما برجا گذاشتند و هنوز هم دست بردار نیستند .

مطابق شواهد موجود دولت جمهوری اسلامی ایران مشغول بسیج جنون آمیز نیرو برای اعزام به جبهه های مرگ است . سپاه و بسیج فشار خود را روی مدارس برای بسیج دام انداختن هر چه بیشتر کودکان و نوجوانان برای اعزام به جبهه ها از نوافزایش داده اند . دولت ایران برای حملات فاجعه انگیز تازه تری آماده می شود . این عملیات اگر انجام شود ، بار دیگر ضربه عظیم تری به تابع ملی کشور ما وارد خواهد آورد . ضربه ای که همچون گذشته و حتی پیش از گذشته ، به قیمت تلف شدن جان هزاران جوان و نوجوان بیگناه ایرانی تمام خواهد شد .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) با نفرت و انزجار هرگونه تدارک برای انجام حملات تازه را محکوم می کند و به نام خلق قهرمان ایران از دولت جمهوری اسلامی ایران می خواهد

در پاسخ به درخواست دبیرکل سازمان ملل متحد ، آقای خاویرز و کوئیارد و لتهای ایران و عراق موافقت و تعهد کرده اند که از ساعت ۱۲ شب به وقت گرینویچ روز سه شنبه ۱۲ ژوئن ۱۹۸۴ برابر ۲۲ خرداد ماه ۱۳۶۳ به بمباران مناطق مسکونی ، شهرها و هدفهای غیر نظامی خاتمه دهند و به دنبال این تعهد ، بمباران مناطق مسکونی ، که از بیرحمانه ترین جنایات رژیمهای دو کشور بوده است ، قطع گردید و اندکی از درد و رنج و بیم و دلهره مردم دو کشور ، بخصوص مردم بلاکشیده خوزستان کاست .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) که همواره با خشم و نفرت ایمن جنایات هردو طرف را محکوم کرده است ، اکنون از این اقدام شایسته دبیرکل سازمان ملل متحد قدردانی کرده ، بر لزوم اجرای بی خدش آن تأکید می کند و امید و اراست این موافقت سر آغاز راهی گرد که به این جنگ بی معنی و فاجعه آمیز خاتمه دهد .

ادامه جنگ ایران و عراق ، خطر گسترش و منطقه ای شدن آن را به دنبال دارد . این خطر هر روز تشدید می شود . امپریالیسم آمریکا و متحدانش در کمین نشسته اند که با استفاده از تشنج موجود در منطقه خلیج فارس ، کسه ناشی از ادامه جنگ است ، به مداخله مستقیم نظامی و حتی اشغال خاک کشورهای منطقه میادرت و رزند . هم اکنون انبوه عظیم نیروهای مسلح و ناوگان ارتش تجا و زگرا آمریکا ، خلیج فارس و دریای عمان را جوی لایگانه خود ساخته اند . این کار بهانه حفظ امنیت عبور و مرور کشتی ها انجام گرفته است . امپریالیسم آمریکا و دیگر دشمنان خلق ما را ادامه و گسترش جنگ ذینفعند . حمله به کشتی ها در خلیج فارس و گسترش دامنه جنگ به این منطقه جزئی از اهداف امپریالیسم آمریکاست .

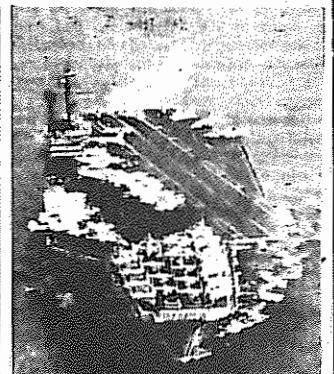
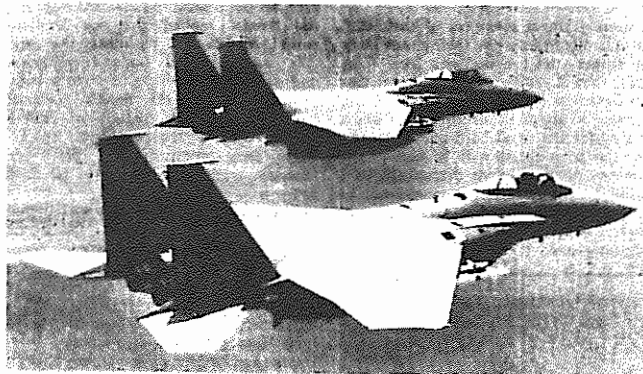
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ، هرگونه حمله به کشتی های محکوم می کند و خواهان آنست که طرفین محاصره توافق کنند که بدون هرگونه قید و شرط در منطقه خلیج فارس نیز ، بلا درنگ آتش بس اعلام شود .

دولت جمهوری اسلامی ایران همواره لجوجانه اعلام کرده است که خواهان ادامه جنگ است و به هیچ وجه حاضر به پذیرش آتش بس در مرزهای توافق شده دو کشور که در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر تعیین شده ، نیست . دولت جمهوری اسلامی مخالف صلح با عراق است ، این مخالفت عمیقاً به زیان منافع ملی ماست . جمهوری اسلامی با ادامه بیپرده جنگ هر روز زیانهای

نقش امپریالیسم امريکا در بحران خليج فارس ۲

پیوند دارد، و به نظریه‌ی کارشناسان اگر اوضاع در خلیج از کنترل آمریکا خارج شود، عمان در درخواست کمک از آمریکا تامل نخواهد کرد، و این به واشنگتن بهانه‌ی مشروعی خواهد داد که کشتی‌هایش را به خلیج فارس بفرستد. سلطان قابوس حکمران عمان نیز گفت وی "بسیار آمریکا در باره‌ی برخی اقدامات در صورت تهدید امنیت خلیج فارس" به توافق رسیده است.

رامسند و خواهد نمود. بلافاصله، رسانه‌های گروهی امپریالیستی به کارزار تبلیغاتی وسیعی برای بزرگ جلوه دادن این خطر برای غرب دست زدند. مقامات رسمی آمریکایی پس از دیگری در این باره اظهار نظر کردند و کوشیدند با ارائه این "دلیل" که قطع صادرات نفت خلیج برای اقتصاد غرب خطر حیاتی دارد، زمینه روانی برای مداخله نظامی احتمالی را آماده سازند.



ناو هواپیما بر "آمریکا" هواپیماهای اف-۱۵ ساخت آمریکا در حال پرواز بر فراز خلیج فارس

"اختلال در صدور نفت" بجای "بستن مدخل خلیج فارس"

اوایل ماه مارس، یعنی درست هنگامی که حکومت ایران تهدید کرده بود تنگه هرمز را خواهد بست، "هازل" وزیر انرژی آمریکا گفت: "این احتمال بسیار ضعیف است که مدخل خلیج فارس بسته شود. اختلال در استخراج و حمل و نقل محتمل تر است." تحول بعدی اوضاع نشان داد که این اظهارات وزیر آمریکایی نه یک حدس و گمان عادی، بلکه دقیقاً نقشه‌ای بود که آمریکا برای خلیج فارس کشیده و به اجرا درآورد.

در عرض چند هفته تا اواخر ماه مه، ۶۰ نفتکش در خلیج فارس مورد حمله جنگنده‌های ایران قرار گرفته، آسیب دیده و یا غرق شدند. صادرات نفتی کشورهای خلیج فارس به شدت کاهش یافت. به نوشته "نیوز ویک" فروش نفت ایران به ۴۵۰ میلیون دلار در ماه، یعنی تنها نیمی از مبلغی که برای اداره جنگ و برطرف کردن نیازهای اساسی کشور لازم است، رسید. نرخ‌های بیمه و حمل و نقل شرکت‌های غربی برای خلیج فارس چند برابر شد.

این وضع، به آمریکا امکان داد بطور مداوم وظایف ناوهای جنگی خود در خلیج فارس را توسعه دهد. این ناوها در ابتدا تنها به بد رقه کشتی‌های نفت‌کش پرداختند که نفت را برای رفع نیازمندی‌های نظامی ایالات متحده و آمریکا حمل می‌کرد. اما افزایش تشنج در خلیج فارس به آمریکا که اگر بتواند، بسیار مایل است تک افراد جمعیت کشورهای حوزه خلیج را در

اقدامات عملی نیز انجام گرفت. "کمک" نظامی آمریکا به رژیم‌های ارتجاعی منطقه افزایش یافته و حضور مستقیم آمریکا نیز ابعاد گسترده‌تری یافت.

برای بار دوم، در اواسط بهمن ماه سال گذشته تدارکات حکومت ایران برای عملیات "والفجر ۵ و ۶" و "خیبر" از یک سو و تکرار تهدید به هدف قراردادن "خارک" توسط عراق از سوی دیگر، باعث آغاز مرحله جدید بحران شد. مقامات جمهوری اسلامی بار دیگر تهدید به مسدود کردن تنگه هرمز کردند، آمریکا هم که گویی فقط منتظر همین بهانه بود، "مقررات" ویژه‌ای برای عبور و مرور در خلیج فارس (یعنی در محدوده آبهای بین‌المللی) اعلام کرد و در چارچوب اجرای همین "مقررات" خود ساخته، یک ناو جنگی آمریکایی به سوی یک هواپیما ایرانی تیراندازی نمود. ریگان در کنفرانس مطبوعاتی ۲۲ فوریه خود گفت: "ما از مدت‌ها پیش در حقیقت بطور مداوم ۰۰۰ یک ناو گروه جنگی در دریای عرب داشته‌ایم. روزنامه فرانسوی "لیبراسیون" نوشت پنتاگون "بسیار استفاده از" بحران تنگه هرمز "حدود ۴۰ کشتی جنگی، از جمله ناو هواپیما بر "میدوی" را در حول و حوش خلیج فارس متمرکز ساخت که ۳ الی ۴ عدد از آنها بطور متناوب وارد خود خلیج می‌شوند. در اقیانوس هند نیز کشتی‌های دیگری، از جمله ناو هواپیما بر "رنجر" مستقر شدند.

روزنامه آمریکایی "شیکاگو تریبون" همان زمان "سناریو"ی واشنگتن برای مداخله نظامی در منطقه را چنین تشریح کرد: "عمان اکنون از طریق یک قرارداد نظامی با آمریکا

راه خانه‌هایشان با توپ و تانک و هواپیماهای جنگی "بدرقه" کند - بهانه لازم را داد تا کشتی‌های بیطرف نیز در خلیج فارس از سوی ناوهای پنتاگون "مشایعت" شوند. روزنامه انگلیسی "ابزرر" می‌نویسد ناوهای نیروی دریایی آمریکا اغلب برخلاف اراده کشتی‌هایی که در خلیج فارس در حال رفت و آمدند، آنها را همراهی می‌کنند. از جمله، در یکی از این موارد، یک ناو موشک برآمریکایی، شب هنگام به کشتی کوییتی "رأس البصره" نزدیک شده و فرمان داد که اطلاع بدهد به کدام کشور تعلق دارد.

سپس این ناو موشک بر، در فاصله کمی، مدتی به دنبال کشتی کوییتی حرکت کرد. این واقعه باعث شد که حتی سخنگوی شرکت کوییتی صاحب کشتی مزبور، زبان به اعتراض بگشاید و اظهار دارد که ناوهای جنگی آمریکا با وادار کردن کشتی‌های بازرگانی به اعلام خط سیر خود، در ناوردی در خلیج را به خطر انداخته‌اند.

از جمله استفاده‌های دیگر آمریکا از آشوب اخیر در خلیج فارس، مستقر کردن هواپیماهای سوخت‌رسان، افزایش حضور مستقیم نظامی و به حال آماده باش درآوردن نفرات نیروهای هوایی خود در این منطقه بوده است. به این اقدامات باید تحویل ۴۰۰ موشک "استینگر" به عربستان سعودی را نیز افزود.

هفته‌نامه آمریکایی "نیو زیک" می‌نویسد: "محور استراتژی آمریکا تقویت نظامی عربستان سعودی به صورتی است که بتواند هم از خودش و هم از همسایه‌های عریض در مقابل حملات هوایی

احتمالی ایران دفاع کند." (البته باید در نظر داشت "دفاع" در قاموس سیاست‌گزاران آمریکایی کلمه‌ای است که برای هرگونه عملیات نظامی یکبار می‌رود) "واشنگتن پست" در تاریخ ۳۱ ماه مه بطور بی‌پرده نوشت: "اکنون عربستان سعودی به عقیده پنتاگون باید در عملیات جنگی در خلیج فارس شرکت کند."

بدین ترتیب در این مقطع مشخص، مداخله نظامی بطور غیرمستقیم "به شعار اصلی پنتاگون در خلیج فارس تبدیل شد و به مرحله اجرا درآمد. آیا در مورد عملی شدن این مداخله، هنوز شک و شبهه‌ای وجود دارد؟ وقتی آواکس‌های آمریکایی تعقیب هواپیماهای جنگی، هواپیماهای سوخت‌رسان آمریکایی رساندن بنزین به جنگنده‌ها، خلبانان و کارشناسان آمریکایی هدایت پرواز ایمن جنگنده‌ها، اف-۱۵های آمریکایی انجام عملیات جنگی و موشک‌های "استینگر"، "ساید ویندر"، "اسپارو" و ۰۰۰ که همگی آمریکایی هستند، هدف قراردادن هواپیماها را برعهده دارند، باز هم می‌توان گفت مداخله نظامی آمریکا در منطقه وارد مرحله عملی خود نشده است؟

بلندگوهای امپریالیستی باخرسندی از "موفقیت" این سیاست آمریکا در منطقه خلیج فارس سخن می‌گویند. مفسر "نیوز ویک"

بقیه از صفحه اول

در شماره ۲۵ ژوئن ضمن ذکر این مطلب، می نویسد غرب لااقل برای یک دوره سه ماهه می تواند نفت خود را از ذخایر نفت در آمریکا و اروپا و در دریای شمال و به کمک کشورهای مانند و نروژ و نیجریه تامین کند.

بنابراین، نباید تصور کرد که مداخله نظامی آمریکا در همین مرحله باقی خواهد ماند، طراحان نظامی پنتاگون از هم اکنون، کنش و واکنش های بعدی را در محاسبات خود ترسیم و منظور کرده اند. این یک ادعای قدیمی آمریکایی است که کشورهای عرب منطقه - "غول" های اقتصادی و "توتوله" های نظامی هستند، و قادر نیستند "امنیت" خلیج را تامین کنند، و در تحلیل نهایی بکارگیری مستقیم نیروی نظامی آمریکا "اجتناب ناپذیر" است. جدا از اهداف دراز مدت، برخی مشاوران ریکان علناً از مداخله مستقیم نظامی با اهداف انتخاباتی (۱) طرفداری می کنند. نیپورک تا یومز تاریخ ۲۷ ماه مه نوشت: "برخی مقامات آمریکایی از فراهم آوردن امکان بکارگیری سریع و مصعنه نیروی جنگی آمریکا برای احیای پرستیژ ایالات متحده استقبال می کنند." نشریه انگلیسی "ابزرور" می نویسد هدف واشنگتن از ارسال تعدادی هواپیماهای سوخت رسان به عربستان سعودی، به هیچ وجه آن نبود که وقت پرواز هواپیماهای جنگنده اف-۱۵ عربستان سعودی بیشتر شود. هدف این هواپیماها، تکمیل ذخیره سوخت هواپیماهای آمریکایی است که ممکن است از ناوهای هواپیما برکه در اقیانوس هند رفت و آمد می کنند، به خلیج فارس اعزام شود. "نیوزویک" حتی معتقد است "سعودی کردن" جنگ خلیج همانقدر احمقانه است که "ویتنامی کردن" جنگ ویتنام "احمقانه بود. به بیان دیگر این خود آمریکاست که باید وارد عمل شود!

نکته دیگری که در بررسی نقش آمریکا در افزایش تشنجات در منطقه خاور نزدیک و میانه باید در نظر گرفته شود، هماهنگی با اسرائیل است. همزمان با سفر "آرنس" و زیرجنگ اسرائیل، واشنگتن در اوج حمله به نفتکش ها در خلیج فارس و توافق بر سر تشدید همکاری نظامی آمریکا - اسرائیل، فرماندهی کل ارتش صهیونیست ها موقع را مناسب تشخیص داد که پس از گلوله باران مناطق مجاور و ناحی استقرار نیروهای سوریه در دره بقاع لبنان، دیگر مستیها مواضع نیروهای سوریه را زیر آتش بگیرد. جالب اینجاست که آن به اصطلاح نفوذ شوروی، یعنی عاملی که آمریکا همیشه بعنوان بهانه نامن کردن مناطق وسیعی در گوشه و کنار دنیا مطرح می کند، در خاور نزدیک دقیقاً در جهت حفظ ثبات منطقه عمل می کند. آخر تحکیم روابط و پیوند های سوریه با اتحاد شوروی و حمایت پیدریخ اتحاد شوروی از این کشور وجود نداشت اکنون

مدتها بود که اسرائیل ماجرای جدید نظامی خود را به انجام رسانده بود. آمریکا قصد دارد در امر مداخله نظامی در خلیج فارس علاوه بر اسرائیل پای کشورهای عضو ناتو را نیز به میان بکشد. ۱۵ ماه پیش سخنگوی وزارت خارجه آمریکا تایید کرد که درباره خلیج فارس، میان آمریکا و انگلیس "مشورت هایی در جریان است." واشنگتن با اصرار هرچه بیشتری از متحدان خود در پیمان ناتو طلب می کند که برای هجوم به خلیج فارس، یک "نیروی چند ملیتی" نظیر آنچه در لبنان با شکست افتتاح آوری مواجه شده بود، تشکیل دهند. در گرد همایی رهبران هفت کشور عمده سرمایه داری در لندن، آمریکا حداکثر فشار را به برخی از هم پیمانان خود در ناتو و مقدم بر همه به انگلیس، برای جلب آنها به اجرای نقشه ماجراجویانه در منطقه خلیج فارس وارد آورد. نشریه انگلیسی "ابزرور" حتی می نویسد درباره عمل نظامی مشترک در صورت بروز "موقعیت اضطراری" در خلیج فارس، موافقت نیز حاصل شده است.

کشورهای عربی منطقه خلیج فارس که آمریکا از آنها "دعوت رسمی" برای مداخله می طلبد - نیز شبح حضور تفنگداران آمریکایی بر فراز چاه های نفت خود را (به دلایلی که عمدتاً به اوضاع داخلی آنها برمی گردد) چندان خوش ندارند. یک سند سری پنتاگون که دو سال پیش فاش شد، سریع می کند واشنگتن در رصد آن نیست که برای مداخله نظامی در خلیج، قبلاً از "رکشورهای دوست" اجازه بخواهد گستاخی واشنگتن حتی به این کشورها نیز هشدارهاش داده است. شیخ زاید بن سلطان آل نهایان رئیس امارات متحده عربی صریحاً خواهان آن شده که بحران خلیج بین المللی نشود و افزود: "ما هرگز از یک قدرت خارجی برای هجوم به خلیج دعوت نخواهیم کرد." دبیرکل "شورای همکاری خلیج" نیز سیاست "قایق های توپدار" در خلیج را "غیرمطلوب و غیرقابل قبول" خواند. در گرد همایی اخیر و زیران خارجه شش کشور عربی خلیج فارس در طائف، بار دیگر این کشورها از دعوت آمریکا به مداخله نظامی امتناع ورزیدند. روزنامه شوروی "پراودا" نتایج این کنفرانس را "ضربت محسوس به نقشه های ایالات متحده آمریکا" ارزیابی کرد.

قطعنامه اخیر شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز که در آن از کلیه کشورهای جهان دعوت شد که از هر عملی، احتراز جویند که ممکن است باعث تشدید جنگ و درگیری شود. بحثا به مانعی در راه تحقق رویاهای نظامی گرانه پنتاگون به شمار می رود.

در مجموع تمام رویدادهای ماه های اخیر نشان می دهد هرگونه شدت و افزایش وخامت

بقیه از صفحه اول

رژیم خبر از ۷۰ "قارنا"ی جدید می دهد

در اینکه درنده خویی رژیم در کردستان حد و مرز نمی شناسد، کوچکترین شکی نیست، اما خلق نیز در برابر شقاوت های نیروهای سرکوبگر، بی تفاوت نمی نشینند و تاپای جان در برابر یورش وحشیانه قوای ارتجاع، ایستادگی می کنند. از همین رومی بایست به داعیه رژیمینی بر تصرف مناطقی همچون سارال، کوماسی و سرشیو، کاملاً به دیده تردید نگریست.

رژیم اکنون در کردستان با تاکید بیشتری از "تاکتیک زمین سوخته" بهره می جوید. رژیم در پی "سوزاندن" هر منطقه و تصرف آن با دستیاری به وحشیانه ترین شیوه های سرکوب، خود را با ترس و وحشت ناچار می بیند که قشونی از مزدوران را برای حفظ آنها اختصاص می دهد. تداوم این سیاست اکنون مناطق تصرف شده کردستان را به صورت پادگانهای نظامی درآورده است.

در کردستان دیگر روستایی یافت نمی شود که تاکنون دهها مرتبه قوای سرکوبگر، ادعای "پاکسازی" آنرا نکرده باشند. آنها بعد از هر موج کشتاری که در کردستان به راه می اندازند مدعی می شوند که دیگر کارکردستان به پایان رسیده و آخرین پایگاه های مقاومت خلق کرد، برچیده شده است. به عنوان نمونه بعد از باصطلاح پاکسازی آن ۷۰ روستا، در اطلاعیه ای که به مناسبت اعدام یکی از عوامل رژیم به دست نیروهای پیشمرگ در روزنامه های دولتی به چاپ رسیده، باز هم با وقاحت تمام، این ادعا تکرار می شود. (روزنامه های ۹ خرداد) تکرار مداوم این ادعا خود بهترین دلیل برای اثبات پوچ بودن آنهاست.

رژیم برای این که نشان دهد، به همان اندازه که جنایتکار است در وقاحت نیز بی همتاست، همواره مدعی می شود که سرکوب خلق کرد به استدعای همین خلق، صورت می گیرد. فرمانده سپاه کردستان در همین تشریح عملیات اخیر، بار این دروغ و قبحانه را تکرار کرده و از "استقبال شدید مردم روستاهای آزاد شده" (۱) از رزمندگان اسلام "دم می زند".

وقتی که باز رژیم از درگیریهای جدید در همین "روستاهای آزاد شده" خبر دهد، میتوان به کیفیت استقبال شدید مردم از رزمندگان اسلام "پی ببرد".

اوضاع در منطقه - چه بصورت حمله به نفتکشها و نبرد های دریایی، چه بصورت عملیات و سیخ نظامی در خشکی - آمریکا را در بر داشت. یک گام دیگر در جهت تحقق نقشه های ماجراجویانه اش یاری داده است. هر چه ابعاد تشنج و درگیری بیشتر باشد، میزان استفاده امپریالیسم از آن نیز بالاتر است. اگر عملیات و سیخ و جنگالی به واشنگتن امکان می دهد طرف مدت کوتاهی گامهای بلندتری در راه بقیه در صفحه ۸

دارد.

بعد از اینکه "برادر افتخاری" مرا تحویل "ساختمان قرمز" داد، پاسدارهای آنجا مرا به درون اتاقی انداختند که در آن سه سخی می شد، جایی برای نشستن پیدا کرد. گفتم که آن هنگام پاسی از نیمه شب گذشته بود، لذا زندانیانی که به زور در آن اتاق جاس داده شده بودند، همگی به نوع شگفتی، کنار هم دراز کشیده و به خواب رفته بودند. من به سختی توانستم در گوشه‌ای چمباتمه بزنم. دردی که تمام بدنم را بعد از مشت و لگد های "برادر افتخاری" فرا گرفته بود و فکر این که چگونه بازجویی پس بدهم، حتی به من اجلازه چرت زدن در آن حالت را نمی داد.

"ساختمان قرمز"

در طول دوازده روزی که در این ساختمان به سر می بردم، توانستم تا حدی از وضعیت این بازداشتگاه مخفی سر در بیاورم. "ساختمان قرمز" دارای ۵ طبقه است. این ساختمان، بازداشتگاه زندانیان موقت بسیاری از همه نقاط تهران است. موقت از آن جهت گفته می شود که کسی در درازمدت در اینجا ماندگار نیست. هر زندانی بعد از این کینه پرورنده مدت کوتاهی تکمیل شد به زندانهای دیگر و بویژه اوین، فرستاده می شود.

بازجویی که بعد از ظهرها در طبقه دوم ساختمان صورت می گیرد همواره با شلاق و مشت و لگد همراه است. در این ساختمان، در هنگام بازجویی، زیاد وارد جزئیات نمی شوند. زمان بازجویی و سؤالاتی که از زندانی می شود، بستگی به میزان و کیفیت اطلاعاتی دارد که در اختیار بازجوست.

صدای گامهای زندانیان برای من مفهوم خاصی داشت. به شعر حماسی بلندی می مانست که ترجمه آن چنین بود: ما بسیاریم (ما بسیاریم) ما بسیاریم!

بازجویی در "ساختمان قرمز" اگر چه یک شکل مقدماتی دارد، می تواند تاثیر تعیین کننده‌ای بر روی سرنوشت زندانی بگذارد. نظری که بازجویی "ساختمان قرمز" می دهد در اوین نیز پی گرفته می شود. به همین دلیل است که کمیته چیهای مستقر در این محل با افتخار تمام می گفتند که "ما تا کنون بیشترین اعدامی‌ها را به اوین معرفی کرده ایم." روز نامه‌هایی که در آن هنگام اسامی اعدام شده‌ها را می نوشتند، در مواردی که دستگیرشدگان منطقه ۱۲ در میان آنها به لحاظ تعداد، از بقیه نقاط بیشتر بود، به سند افتخار پاسداران مستقر در "ساختمان قرمز" تبدیل می شد.

گزارشی از اوین، آوردگاه شرف انسانی و درنده خویی حیوانی

شب هنگام، پاسداری به درون آن اتاق آمد و مرا که چشمهای بسته و بر دستهایم دستبند خورده بود تا آن حد که در توانش بود، به زیر مشت و لگد گرفت. با هر ضربه‌ای که می زد فحش‌ریکی نیز از دهان کشیش‌پیرون می آمد. من با بدنی له شده به کف اتاق افتادم پاسی از نیمه شب گذشته بود که پاسداران آمدند و مرا با ماشین به ساختمانی واقع در همان خیابانی که کمیته "قرار دارد، بردند. بعد ها شنیدم که این محل به خاطر رنگ دیوارهای آن "ساختمان قرمز" نامیده می شود.

★ اوین امروز همان اوین دیروز نیست چرا که ایران امروز، ایران دیروز نیست. خاک ایران امروز را انقلاب عمیقاً شخم زده است. ازدل آن هر دم چنان "برنجزارهای شن هوا:

خوشه‌هایی سر می زند که با هر دروکردنی پریشتر می شوند. بیپوده نیست که اکنون اوین به مراتب از پیش پرمشغله‌تر و مخوفتر شده است.

بعد از ورود به این ساختمان، همان پاسداری که مرا کتک زده بود، بازویم را گرفت و مرا به داخل اتاقی هل داد که در آن پاسدار دیگری نشسته بود. او به مجرد ورود ما ازجا برخاست و به پاسدار همراه من گفت: "برادر افتخاری، این طرف اعدامی است؟" پاسدار همراه من که دیگر اسمش را فهمیده بودم، در پاسخ با خنده گفت: "مسله!"

بعد ها فهمیدم که عنوان اصلی این برادر افتخاری، "اسمال تیغ‌کش" است. او که یکی از لومین‌ترین و جانی‌ترین پاسدارهای کمیته ۱۲ است در همان "ساختمان قرمز" زندگی می کند. وی بسیاری از شبها زنهای را در خیابان به بهانه‌های سیاسی و یا نداشتن حجاب اسلامی دستگیر کرده و به این ساختمان می آورد، به زور از آنان پول می گیرد و یا مرتکب فجایعی می شود که بسیار تکان دهنده و شرم آورند. بعدها من در زندان اوین حتی به زندانیانی برخورد کردم که خود قبلاً پاسدار بوده‌اند و به خاطر درگیریشان با "اسمال تیغ‌کش" به دنبال پرونده‌های سازبهایی که علیه شان صورت گرفته، به زندان افتاده و حتی به جوخه اعدام سپرده شده‌اند. این حالت "برادر افتخاری" که در برابر هر اعتراضی به کلت کالیبر ۴۵ خود دست می زد و می گفت "قانون من این است. و من مطابق این قانون با شما رفتار می کنم" در کمیته منطقه ۱۲، شهرت زیادی

اوین، مخوفترین زندان جمهوری اسلامی است. در راس دژخیان این زندان، لاجوردی جلاد نشسته است که آدم‌کشی، افتخار او است. تاریخ زندان اوین، همچون کمیته مشترک، قزل حصار و ده‌ها سارتگاه دیگر و فصل دارد که در ادامه یک دیگرند. یک فصل بازتاب مبارزات خلق در ایران شاهنشاهی است و دیگری حکایتگر همین مبارزات در ایران جمهوری اسلامی است. بسیاری از شخصیت‌های تاریخ زندانهای سیاسی ایران در هر دو فصل این کتاب که هر سطرش با خون نگاشته شده، ظاهر گشته‌اند و بسیاری از حماسه‌ها دو بار رقم خورده‌اند.

اما اوین امروز همان اوین دیروز نیست چرا که ایران امروز، ایران دیروز نیست. خاک ایران امروز را انقلاب عمیقاً شخم زده است. ازدل آن هر دم چنان "برنجزارهای شن هوا، خوشه‌هایی سر می زند که با هر دروکردنی پریشتر می شوند. بیپوده نیست که اکنون اوین به مراتب از پیش پرمشغله‌تر و مخوفتر شده است. فجایعی را که در زندان اوین اتفاق می افتد با یک گزارش نمی توان به توصیف در آورد. هر آن کسی که در بند اوین گرفتار بوده است کتاب پر حجمی برای بازگو کردن دارد. اما باز آن هنگام که خلق به داوری بنشیند و همه آنانی که در اوین گرفتار گشته‌اند، به سخن در آیند، چه بسیارند آن حکایتها که ناشنیده خواهند ماند، چه بسیارند آن حماسه‌ها که با شهادت آفرینندگان با نام یابی نامشان، هیچگاه بازگو نخواهند شد، چه بسیارند آن فریادهای در گلو خفه‌شده‌ای که به گوش کسی نخواهند رسید و چه بسیارند آن ترانه‌های شورانگیزی که با خاموش‌گشتن حنجره سرایندگان آن، قلبها را نخواهند لرزاند.

ما در زیر گوشه‌هایی از گزارش یک رفیقمان از زندان اوین را منعکس می کنیم و باز بر این نکته تاکید می، ورزم که این نوشته‌ها نوشته‌های دیگری زاین دست، تنها حکایتگر گوشه‌های بسیار بسیار کوچکی از جنایتهای رژیم جمهوری اسلامی در زندانهای سیاسی ایران است.

★ ★ ★ در شهریور ماه سال ۶۰ بود که توسط پاسداران کمیته منطقه ۱۲ (ریاط کریم) دستگیر شدم. به مجرد ورود به مقر این کمیته که محل سابق سازمان پیشاهنگی ریاط کریم است، چشمهایم را با پارچه ضخیمی بستند و مرا به مدت چند ساعت، در اتاقی واقع در طبقه همکف این ساختمان، نشانند.

متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران بپا خیزیم!

حرفهای پرت و پلائی که پاسدار شکنجه گستر می زد فهمیدم که مساله تازه ای در رابطه با من پیش نیامده و این شکنجه نیز جزئی از " تشریفات ورود به اوین " است . شلاق زدن او که به پایان رسید دیگر چیزی را حس نمی کردم . تنها به یادم هست که این جمله در ذهنم چرخید که " شکنجه ، غسل تعفید انقلابی است . " شکنجه را با سربلندی پس داده بودم و از این بابست علی رغم درد شدیدی که بدنم خرد شده و پاهایم آشفته شده ام را فراموش کرده بودم احساس خوشحالی می کردم . یکبار دیگر آن جمله را از ذهنم گذراندم و از هوش رفتم .

در داخل بندهای اوین

هنوز کاملاً به هوش نیامده بودم که مسرا کشان کشان ، از پله ای بالا بردند و بعد از طی مدتی راه که به خاطر درد شدیدی که پاهایم را فرا گرفته بود ، به نظرم بی پایمان می نمود ، مرا به داخل بند بردند و در اتاقی افکندند که بایک نظری بر دم در آنجا قریب به صد نفر زندانی ، به سرمی برند . چهره ها همه رنگ پریده و استخوانی ، و چشمها از حدقه درآمده بود . اتاق حداکثر ظرفیت ۲۵ نفر را داشت ، لیکن ساعتی بعد فهمیدم که در آنجا ۹۵ زندانی ، طعم " محرم " جمهوری اسلامی را می چشند .

آن هنگام که مرا به داخل این محبس انداختند ، ارایل شب بود . گرسنگی بررنجی که از درد پاها و عضلاتم می کشیدم افزوده شده بود . نمی دانستم چه مدت از آخرین وعده غذایی که خورده ام ، می گذرد . از زندانیان این اتاق چیزی برای خوردن خواستم . تکوائی نان خشک به من دادند . سرم را پایین انداخته بودم و به آن تنه نان ، دندان می زدم که ناگهان به نظرم رسید ساحتانی در نزدیکی من فرو ریخت و یاصد هاتیرا ، یکباره از داخل یک کامیون ، به روی زمین ریخته شد . بهرت زده شدم . قلم یکباره از تپیدن باز ایستاد . وقتی که برای دومین بار آن صدای هولناک تکرار شد و یکی از بچه های داخل اتاق ، به گریه افتاد ، تازه فهمیدم که جریان از چه قرار است . در پشت دیوار بندها ، " دیوار الله اکبر " قرار داشت که محل تیرباران اسیران بود . اتفاقاً ما تا این دیوار منحوس ، تا آن حد نزدیک بود که وقتی دقت می کردیم ، می توانستیم صدای ناله تیرباران شده ها را بشنویم . آن شب وقتی بچه ها ، تعداد تیرهای خلاص را شمردند فهمیدم که ۲۳۰ نفر ، اعدام شده اند . ۲۳۰ ستاره سرخ دیگر بر حاشیه مخمل خونتین آسمان انقلاب ایران ، منجوق کاری شده اند . بعداً فهمیدم که هر شب از اوین ، خیلی از ستارگان ، از رنگین نشان سرخ فریادهای مقاومت عروج کرده و به کهکشان شهدای خلق می پیوندند .

ادامه دارد

او سئوالانش را آنقدر تکرار کرد که خود خسته شد ، برای آسپین بار و این دفعه به وحشیانه ترین شکل ممکن ، مرا به زیر مشت و لگد گرفت و تهدید کرد که با دستگیری دیگری دوستانم ، همه چیز روشن خواهد شد و آنگاه مرا یکسر به جوخه اعدام خواهند سپرد . از این مشت و لگد و تهدیدات آخری خوشحال شدم . فهمیدم که دروغهایم کار ساز شده اند و توانسته ام از دستشان ، در بروم .

آنسو تر دختر دیگری ناله می کرد . به دنبال هر ناله شعار آتشینی سرمی داد و به یاران دیگر ، قوت قلب می بخشید . حس کردم که این شعارها چونان خون گرمی در رگهای من جاری می شوند و درد را از یادم می برند . نیروی تازه ای در خود احساس می کردم . دیگر در آن سالن محوش نبودم . پرنده سبید بال اندیشه ام در یک آسمان آبی سیر می کردم در زیر آفتاب درخشان انقلاب تا افق دوردست ، گسترده بود .

به دنبال پایان یافتن این بازجویی ، پاسداری آمد و مرا بعد از پایین بردن از یک پله ، به داخل سالنی انداخت که فوراً پی بردم که چند نفر دیگر نیز در آن بسر می برند . آنها یکمزن ناله می کردند . من در آن هنگام کمتر به خود می اندیشیدم ، اولین بازجویی من در اوین را پس داده بودم و حالا وقت آن بود که تمام تن ، گوش گردم و مسحور حقایق آفرینی های یاران و مبارزان در بند ، شوم . چشمم را به سمت اوین بسته بود ، لیکن با شنیدن صدای ناله های متفاوت پی بردم که در آنجا می بایست بیش از ۲۰ نفر زندانی ، در انتظار شکنجه مجدد باشند . نزدیکترین ناله به من از گلولی خسته دختری بر می خاست که می شد به راحتی پی برد که شکنجه گران چه بر روز او آورده اند .

ناله های او ، قلبم را می لرزاند . او از درد به خود می پیچید و هرازگاهی جیسخ کسوتاه و خفای از گلویش خارج می شد . دیگر نتوان فریاد کشیدن را نیز نداشت . آنسو تر دختر دیگری ناله می کرد . به دنبال هر ناله شعار آتشینی سرمی داد و به یاران دیگر ، قوت قلب می بخشید . حس کردم که این شعارها چونان خون گرمی در رگهای من جاری می شوند و درد را از یاد من می برند . نیروی تازه ای در خود احساس می کردم . دیگر در آن سالن محوش نبودم . پرنده سبید بال اندیشه ام در یک آسمان آبی سیر می کردم که زیر آفتاب درخشان انقلاب تا افق دوردست ، گسترده بود . نمی دانم چه مدت گذشت که لگد پاسدار مرا به خود آورد . او دستم را گرفت و با فریاد گفت : " ... حالا حالت را جفا خواهیم آورد تا جفت دهانت باز شود ! " او مرا کشان کشان به داخل اتاقی انداخت و با یک لگد دیگر نقش بر زمین ساخت . لحظاتی بعد ، با طعم شلاق شکنجه گران آشنا شدم . از

آنها این روزنامه ها را به زندانیان نشان می دادند و به جلادی خود ، مباحثات می کردند .

ورود به اوین

بعد از دوازده روز بازداشت در " ساختمان قرمز " ، مرا همراه با چهار پاسدار به وسیله یک جیب استیشن به زندان اوین فرستادند . بعد از بازرسی دقیق در مقابل در ورودی زندان ، من به داخل صفی از زندانیان جدید وارد شدم که همگی منتظر گذراندن تشریفات ورود به مخوفترین شکنجه گاه رژیم بودند . با این که چشمهایم بسته بود ، لیکن با توجه به گذشت زمان و رفت و آمدهایی که وجود داشت ، پی بردم که این صف باید خیلی طولی باشد . از تجسم وضعیت صف طولی از زندانیان با چشمها و دستهای بسته ، به حالت خاص ، دچار شدم . طولانی بودن صف به من نیرو می داد . صدای گامهای زندانیان برای من مفهوم خاصی داشت . به شعر حماسی بلندی می مانست که ترجیح آن چنین بود : ما بسیاریم ! ما بسیاریم ! ما بسیاریم !

از خشم و غضب پاسداران نیز نیرو می گرفتم . دقیقه به دقیقه یکی از آنان به صف حمله ور می شد و زندانیان را به زیر مشت و لگد می گرفت .

بعد از چندین ساعت انتظار ، نوشتن من فرا رسید تا به درون اتاق بازجویی انداخته شوم . بازجویی که در آن اتاق بنام " بندها " بود ، بعد از زدن یک کشیده محکم به صورت من ، چشمهایم را باز کرد تا صورت مرا ببیند . خود او نقاب بر چهره داشت . در اتاق پیر مرد دیگری با چشمهای بسته نشسته بود که بعداً فهمیدم اهل یکی از شهرهای آذربایجان است و او را به جرم تودهای یاسا فدایی بودن ، گرفته اند . بازجو بعد از پرسیدن نام من ، رو به آن رفیق پیر مرد کرد و گفت : " این شخص را می شناسی ؟ " رفیق جواب داد : " نه ! " بازجو که جوان و قوی هیکل بود با شنیدن این جواب بدون مکت و قاطع ، به جان او افتاد و تا هنگام که خود رمق داشت ، او را زد . نفس پیر مرد از این کتکها بند آمد . نقش بر زمین شد و به گونه ای مفلح ، شروع به نالیدن کرد . بازجو باز لگدی به او زد و با لحنی که به غرض می مانست ، گفت : " آنقدر اینجا می مانی تا این رفیق کافرت را بشناسی ! "

بعد از پیر مرد ، نوبت من رسید . بازجو با حالت خشمگینی شروع به پرس و جواز من کرد . می دانستم که اطلاعات آنها در مورد من خیلی اندک است . لذا با خونسردی همسان حرفهایی را که در ساختمان قرمز " زده بودم " تکرار کردم . بازجویایی بلوف می زد ، مرا تهدید می کرد و آنگاه با خونسردی من مواجه می شد به مشت و لگد و فحشهای رکیک متوسل می گشت .

در حاشیه

خدمتگزاران یا خیانتکاران

دادستان کل کشور، درسخرانی قبل از خطبه نماز جمعه هفته قبل خود را " به عنوان خدمتگزار در دادسرای انقلاب که مرجع تظلمات است " معرفی کرده و گفته است :

" عرض می کنم ، انگل های جامعه راه افتاده اند ، جباران حرکتشان را شروع کردند . سرمایه داران بزرگ راه افتاده اند . " (کیهان ۲۸ خرداد)

دادستان در همین سخنرانی گفته است :

" اگر خدای نخواسته حرکت ما حرکتی شد که ضداقلاب در جامعه را پدید آورد ، سردمداران سابق با همه جنایت شان برگشتند و تازه راضی به برگشت هم نیستند . می خواهند همان جور جنایت کنند ، سرمایه داران و انسان که ثروت های مملکت را به یغما ببرند . اگر ما حرکتمان چوری شد که به آنها قدرت دادیم خیانت آشکار است . " (همانجا)

باتوجه به همین اظهارات " خیانت آشکار " هیأت حاکمه که " جوری حرکت کرده اند که " انگل های جامعه ، جباران و سرمایه داران بزرگ راه افتاده اند " برای همه مردم آشکار می شود .

حد لازم و کافی "وظیفه شرعی"

" دادسرای امور صنفی تهران " در روزنامه کیهان ۲۲ خرداد اعلامیه ای به چاپ رسانده که در آن " کمیته انقلاب اسلامی کرج " را به دلیل افشای اسرار مگو ، مورد انتقاد شدیدی قرار داده است . بر مبنای این اطلاعیه تاحدودی می توان به " ماهه النزاع " بین این دو ارگان پی برد . از قرار معلوم " در تاریخ ۲۴ / ۸ / ۶۰ باتوقیف یک هزار کارتن چینی آلات در بنگاه سعادت " پرونده ای برعلیه این بنگاه تشکیل می شود . آنگاه " پرونده در دادسرای انقلاب امور صنفی مطرح (شده) و پس از رسیدگی های لازم و کافی از طرف بازپرس مربوطه ، منتهی به صدور قرار منع تعقیب (گردیده) و سپس با تأیید قرار از جانب معاونت دادستان ، جهت اثبات مشروعیت اقدامات قضایی انجام شده ، پرونده امر به نظر حاکم شرع محترم دادگاه انقلاب امور صنفی رسیده و ایشان نیز قرار موصوف را مورد قبول و تأیید قرار داده اند . بنابراین هیچ گونه ایراد و اشکالی به جریان رسیدگی پرونده به نظر نمی رسد . " (اطلاعیه مذکور - تأکید از ماست)

اما سرپرست کمیته انقلاب اسلامی کرج که

گویا از این نمد کلاهی نصیبت نشده است ، دست به افشاکری زده و فاش می سازد که - " متصدی بنگاه سعادت با دادستان انقلاب امور صنفی که بیمار در منزل بستری بسوده ، ملاقات کرده است " (همانجا)

اصل قضیه این جاست و از قرار معلوم در جریان همین ملاقات است که منتهی بنگاه سعادت " وظیفه شرعی " خود را " به حد لازم و کافی " انجام می دهد (یعنی می پردازد) و پرونده بسته می شود . و حالا گویا سرپرست کمیته کرج ، مدعی شده است که این " وظیفه شرعی " از آنجایی که جیبی عاید او نشده ، به حد لازم و کافی " بسوده است .

"دالان بهشت" شورای نگهبان به "بهشت"

" بهشتی عزیز ! اینک بر مزارتو گرد آمده ایم ، بشنوه مجلس در دورداد و با انتخاباتی آزاد و پر شور تشکیل شد بهشتی عزیز ! میدانی که مسئولان و برادران عزیز تو نگذاشتند حتی مجلس که ۲۷ عضو خود را از دست داد . بود کار خود را یک لحظه متوقف کند آرام بخواب (! !) که حزب ترمیم شد و به کار خود در ادامه داد و توانست کارهای بسیاری انجام دهد " (روزنامه جمهوری اسلامی ۲ تیر)

گوینده سخنان فوق خزعلی عضو شورای نگهبان و چهره سرشناس سازمان آمریکایی حجتیه است .

تشکر از بدبختی!

• يك " مستضعف " :

" ما می دانیم که جنگ است . . . و لسی ما هم گناه نکردیم که تا آخر عمرمان با این بدبختی ها زندگی کنیم . " (کیهان - ۳ تیر)

• يك امام جمعه :

" فعلا مساله اهم ما جنگ است و همین قدر اداره مملکت هم توسط مسئولین است ، باید متشکر باشیم " (جمهوری اسلامی - ۳ تیر)

"بیماری بازار" و نسخه شیخ محمد یزدی

تجار بزرگ بازار که در عرصه اقتصادی و سیاسی یک تازی میکنند ، از این که دولت توزیع بخش ناچیزی از مایحتاج عمومی را خود به عهده گرفته ، گلايه دارند و معتقدند که اکنون دیگر شرایط ، برای به رسمیت شناختن کامل " حق انحصاری " آنها در توزیع همه کالاها ، آماده است .

شیخ محمد یزدی نایب رئیس مجلس که با دردهای بازاریان به خوبی آشناست در همین رابطه است که می گوید :

" وجود دو بازار یکی دولتی و دیگری آزاد ، قابل دوام و صحیح نیست بلکه يك نوع بیماری است که باید سریعاً معالجه شود . " (روزنامه

جمهوری اسلامی ۴ تیر)

" تجار محترم " بازار امید دارند که این گره نیز در مجلس دوم با حمایت " فقهای محترم " شورای نگهبان و با تجویزات حاذقانه شیخ یزدی ها باز شود و این بیماری هم مثل بقیه " بیماریهای اجتماعی " دیگر با " ادعیه و اوراد فقهی " علاج یابد .

دیگر در مملکت هیچ مشکلی باقی نمانده است!

افاضه حجت الاسلام مقتدایی به مناسبت آغاز گشت " مبارزه با منکرات " :

" احکام قرآن دارد در کشور پیاده می شود . دست دزد را می برند و فانیون حدود و قصاص دارد پیاده می شود و مشکلات کم کم برطرف می شود "

(کیهان - ۲۶ خرداد)

"علاقه" و "اشتیاق" انحصارات!

وزیر صنایع سنگین با علاقه و مشتاقانه این چنین از " علاقه " و " اشتیاق " انحصارات امپریالیسم ، به احیای مواضع از دست رفته شان در ایران ، دم می زند :

" در مورد محاصره اقتصادی لازم است اشاره کنم که در حال حاضر کشور ما محاصره اقتصادی ندارد ، بلکه دنیا و به طور کلی همه شرکت های بزرگ صنعتی در دنیا به سوی ما روی آورده اند و اتفاقاً علاقه مندند که بتوانند با کشور ما همکاری کنند . بنا بر این تامین قطعات مورد نیاز ماشین آلات کارخانجات و تامین مواد اولیه آنها در حال حاضر از کانالهایی تامین می شود که در دنیا وجود دارد و آنها نیز اشتیاق دارند که این امکانات را در اختیار ما بگذارند و باید بگویم که از این بابت ، مشکلی نداریم " (کیهان ۲۳ خرداد - تأکید از ماست)

دم خروس یا قسم حضرت عباس!؟

" ما مکرر به . . . نوجوانان می گوئیم به میدان جنگ نیایید " ! (خامنای ، کیهان ۲ تیر)

پس لابد این صدام است که مثلاً در جلد يك امام جمعه می رود و فریاد می کشد : " از دانش آموزان دعوت می کنم تا در جبهه ها حضور داشته باشند و کار جنگ را یکسر کنند " ! (جمهوری اسلامی - ۲۰ خرداد)

نقش امپریالیسم . . .

بقیه از صفحه ۵

انباشتن منطقه از سلاح و نفرت نظامی و احیاناً بکارگیری آنها بردارد ، ادامه جنگ ایران و عراق به صورت فرسایشی نیز بنوبه خود ، امکانات نزدیک شدن تدریجی به این هدف را برای امریکا فراهم می سازد . مضافاً بر اینکه ادامه جنگ خود بخود به گسترش و افزایش تشنج خواهد انجامید .

از این رو تنها راه مبارزه با حضور روزافزون نیروهای متجاوز آمریکایی ، خاموش کردن آتشی است که درواری پرده دود آن ، ایمن توطئه ها انجام می گیرد : آتش جنگ ایران و عراق .

این سو و آنسوی سد سکندر کنکور

برضد خفقان حاکم بر کشور، حل خواهد شد.
اما این امر نباید منجر به کم بهادان به مبارزات باشد که در حال حاضر به این شکل یا آن شکل در دانشگاهها، جریان دارد. جنبش دانشجویی میهنان، با بهره گیری از توان مبارزه عمومی خلق و با انگار بر تجربیات غنی خویش، بی گمان در آینده ای نه چندان دور، جایگاه شایسته خود را باز خواهد یافت. محیط دانش و آزاداندیشی نمی تواند در دراز مدت عرصه جولان تفکرات سیاه منگی بر سر نیزه باشد.

دانشجویان

از در بدری و بی مسکنی خود سخن میگویند

"حدود ۶ ماه است که برای ادامه تحصیل به تهران آمده ام، در این مدت همسروفرزندم را در شهرستان گذاشتم. در این ۶ ماه هر جایی را در تهران گشتم اجاره های زیاد یا ودیعه های سنگین طلب می کنند که قادر به پرداخت آن نیستم ۰۰۰ الان هر هفته مجبورم دو روز را در تهران باشم که با این وضع نه قادر به ادامه درس هستم و نه به زندگی می رسم، اگر فشار بیشتر شود بسیاری مجبور به ترک تحصیل دائم می شوند." (یک دانشجوی شهرستانی، کیهان ۲۱ خرداد).
"در سالی که ما در آن زندگی می کنیم همچون سربازخانه ها ۷۰ نفر را در تخت های دو طبقه جای داده اند. رفت و آمد این افراد، سروصداها ۰۰۰ حتی یک لحظه به انسان فرصت مطالعه نمی دهند ۰۰۰ عملاً مطالعه در این سالن برای ما مقدور نیست، با این وجود وضعیت ما به مراتب بهتر از کسانی است که تا کنون جایی را نیافته اند و مجبورند هر شب با اعصابی خسته و با روحی کسل اتاقی را در مسافرخانه یا جای دیگر پیدا کنند." (همانجا)

"تا کنون حدود ۲ هزار نفر از دانشجویان این دانشگاه (دانشگاه ملی) به علت دست نیافتن به خوابگاه و مسکن ترک تحصیل نموده اند." (همانجا).

کنکور قبلی، دست به تفتیش عقاید دیگری برای گزینش دانشجویان جدید بزنند.
از میان ۳۶۰ هزار نفر متقاضی شرکت در کنکور ۳۵ هزار نفر می توانند از صافی های سا و اما و انجمن های اسلامی گذشته، ظاهر شوند. بی خطر" تشخیص داده شده و وارد دانشگاه شوند. اینان بعد از ورود به مراکز آموزش عالی تازه با نپوئهی از مشکلات مواجه می شوند که دست کمی از مصایب این سوی سد سکندر کنکور ندارند.

غلبه کامل جو رعب و وحشت برومچی ط دانشگاهها، بخشنامه ها و کمیته های انضباطی رنگارنگ، پیگرد های انجمن اسلامی، جاسوسی های عوامل رژیم در پوشش دانشجوی و استاد کارمند، مواد درسی مطلقاً ارتجاعی، کمبود استادان متخصص، پایین آمدن و حشتناک سطح علمی دروس دانشگاهی، کمبود امکانات رفاهی، مساله مسکن، فشار هزینه های سنگین تحصیل و زندگی، همگی دست به دست هم داده و دیگر رمقی برای درس باقی نمی گذارند. این وضع در دراز مدت قابل دوام نیست. هم اکنون نیز به وضوح می توان شاهد انعکاس اعتراضات مختلف نسبت به مشکلات و مصایب این سو و آن سوی سد کنکور، حتی در مطبوعات سانسور شده دولتی بود.

شعله های جنبش دانشجویی میهن ما که دارای یک سابقه درخشان مبارزاتی است، اگر چه بایک سرکوب شدید و همه جانبه، فروکش کرده، لیکن خاموش نگشته اند. تاکید مکرر مسئولین جمهوری اسلامی مبنی بر این که در دانشگاه نباید "سیاست بازی" باشد و با این که فعالیت سیاسی در دانشگاهها باید در کانالها باز بینی شده و دولت جریان یابد، انعکاس همین مساله است. بی گمان گره کنونی مشکل مبارزات دانشجویی میهنان در کشور، از دانشگاهها و در جریان مبارزات عمومی خلش

این روزها صد ها هزار نفر از جوانان میهنان، خود را با بیم و هراس، برای شرکت در کنکور دانشگاهها آماده می کنند. این کنکور، دومین مسابقه ورودی به دانشگاهها، بعد از مضحکه انقلاب فرهنگی و به اصطلاح بازگشایی مراکز آموزش عالی است.

کنکور در ایران، همواره به مثابه سدی مهیب در سر راه تحصیل جوانان عمل می کرده است. در هر زمان، بنابر ویژگی آن دوره، بسیاری از شائقین به ادامه تحصیل، در برخورد با این سد سکندر، حق پانهادن به حریف دانشگاهها را نیافته اند. در زمان رژیم پهلوی کنکور، عمدتاً همچون اهرمی در راستای بی عدالتی های اقتصادی و اجتماعی عمل می کرد. سئوالات برابری برای کسانی که در شرایط نابرابری تحصیل کرده اند، بسیاری از جوانان خانواده های زحمتکش و مناطق محروم کشور را از ادامه تحصیل، بازمی داشت. اکنون کنکور در عین حفظ این نقش ناعادلانه، کارکرد پلیسی-ایدئولوژیکی نیز پیدا کرده و همچون وسیله ای برای گسترش فضای اختناق و سرکوب در دانشگاهها و کل جامعه، عمل می کند.

اکنون حکومت گران تاریک اندیش و مترجع جمهوری اسلامی، چنان معیارهایی را برای گزینش دانشجوی بکار می گیرند که عملاً ورود به مراکز آموزش عالی را برای جوانانی که به اسلام این آقایان معتقد و مقید نباشند غیرممکن می سازد.

کنکور پیشین، که به خاطر بررسی های پلیسی-ایدئولوژیک، نتایجش با مدت ها تاخیر اعلام شد به شکل ترین شکل ممکن، اختناق ایجاد شده در جامعه و مراکز آموزشی، چهره واقعی مضحکه "انقلاب فرهنگی" و سیمای دانشگاههایی را که مد نظر سرداران جمهوری اسلامی است، برملا ساخت. و حال مسئولین آموزش عالی کشور می خواهند با بهره گیری از تجربیات پلیسی

می دانسته است، اخیراً اعلام کرده "پراساس اسناد بدست آمده از یک پایگاه هوایی آمریکا در اسپانیا، آمریکا در تهیه رتبه بندی عراق به گزند در دخالت مستقیم داشته است." (روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ تیر).

اینگونه پیچ و تاب خوردن های رژیم در بیان حرفها، تبلیغات و عملکرد های متناقض، بیش از همه نمایشی است از یک حالت عجز، زبونی و درماندگی. کارکرد های رژیم اگر چه در مقطعی و در مواردی متناقض می نماید، لیکن برآیند معینی دارد، برآیندی که هر آن بیشتر با بطبع امپریالیسم می گردد.

جانب رفسنجانی "خوب" و "واقع بینانه" توصیف شد (روزنامه ج ۱۹۰۱۰ فروردین) نمونه ای از این تشویقهاست.

اما امپریالیستها باج بیشتری می خواهند. آنها مطمئنند که رژیم ج ۱۰۰ بیش از اینها از در سازش در آمده، و وادار به تمکین خواهد شد. آنها که بر اساس برنامه خود حرکت می کنند، بر همین مبنا هنوز ظاهراً خود را در برابر ج ۱۰۰ حفظ کرده اند. رژیم نیز گاه از این امر برآشفته شده و شروع به پر خاشگری می کند. رژیم که آگاهانه فراموش کرده است تا دیروز شوروی را منبع تامین سلاحهای شیمیایی عراق

جمهوری اسلامی

در گونی های خود را بوملای سازد

بقیه از صفحه اول
جارو چنگالهای خود دشمن خود سازد تا بلکه آنها را "لطف" کرده و پیش از پیش به جمهوری اسلامی برای تداوم جنگ خانمان سوز فعلی، ییاری رسانند. رژیم در گرما گرم داد و فریاد حول استفاده عراق از بمبهای شیمیایی شوروی را متهم ساخت که منبع تامین این گونه سلاحهاست. امپریالیستها به این تبلیغات ایران باخشنودی نگریستند و به انکال مختلف آن را تشویق کردند و اکثراً وزارت خارجه آمریکا در این مورد که از

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

اتحادیه کارگران پشرو ذوب آهن پاکستان: مبارزان سیاسی و کارگران زندانی در ایران را آزاد کنید!

تاکنون به روزنامه نگاران، پزشکان و حقوقدانان اجازه ملاقات با زندانیان را نداده اند. هر شخصی به وضوح می تواند پی ببرد که هیچ گونه اثری از عدالت و حقیقت در جریان "محاکمات" برگزار شده از جانب رژیم ج.ا.ی. نیست. ما معتقدیم که اکنون از سوی رژیم ج.ا.ی. نه تنها مبارزین عضو حزب توده ایران و دیگر نیروهای مترقی، بلکه خود انقلاب نیز مورد اتهام قرار گرفته و محاکمه می گردد.

ما ۱۹ هزار کارگر بزرگترین مجتمع صنعتی پاکستان خواهان توقف بد و ن در "محاکمات" غیر انسانی در ج.ا.ی. و اجازه بازدید یک هیات بین المللی، متشکل از پزشکان، حقوقدانان و روزنامه نگاران، از وضعیت زندانیان توده ای هستیم. ما خواهان آنیم که همه زندانیان توده ای به منظور نجات انقلاب، از بند اسارت رهایی یابند.

اجلاس عمومی صدور حکم اعدام برای مبارزین توده ای را قویاً محکوم ساخته و خواستار توقف این قبیل اعمال جنایتکارانه از سوی دولت جمهوری اسلامی است.

در پایان قطعنامه از همه کارگران جهان خواسته شده که اقدامات ضد بشری دولت جمهوری اسلامی ایران را محکوم نموده و برای نجات جان پیشروان طبقه کارگر ایران و کارگران زندانی در ایران صدای اعتراض خود را بلند سازند.

هیات اجراییه "اتحادیه کارگران پشرو ذوب آهن پاکستان" در روز ۱۱ فوریه ۱۹۸۴، اجلاس عمومی خود را به مناسبت پنجمین سالگرد انقلاب ایران، برگزار کرد. سخنرانان این اجلاس، طی نطق های خود، انقلاب ایران را از زوایای مختلف، مورد بررسی قرار دادند. در پایان اجلاس، قطعنامه ای به اتفاق آرا به تصویب رسید که مقرر شد، رو نوشت آن برای دولت جمهوری اسلامی ایران نیز فرستاده شود.

این قطعنامه بعد از توصیفی از خصلت ضد امپریالیستی و دموکراتیک انقلاب ایران و علت ها، انگیزه ها و نیروهای پیشبرنده آن، به توطئه های امپریالیسم و ارتجاع برای مسخ انقلاب اشاره دارد و بعد از توضیح ابعاد غلبه راست گرایان در حاکمیت متذکر می شود که "در چنین شرایطی، به منظور پیشبرد روند مسخ و فروپاشی انقلاب، مبارزین پیگیر راه استقلال و حاکمیت ملی، بویژه انقلابیون عضو حزب توده ایران و دیگر دوستان راستین خلق های ایران، با آنها متحدی همچون "جاسوسی" به زندان افکنده شده اند. در همین رابطه نمایشهای تلویزیونی مفتضحانه ای با همکاری ساواک و سیا و موساد، تهیه شده است.

اکنون محاکمات جدیدی آغاز گردیده که در آنها دادستان، محکم قاضی رانیز دارد.

گرامی باد خاطره رزم خونین و دلیرانه کارگران نساجی قائم شهر!

۹ سال از اعتصاب خونین کارگران مبارز نساجی قائم شهر میگذرد. روزهای ۸ و ۷ تیر ماه سال ۱۳۵۴ نشان از رزم دلیرانه کارگران قهرمان نساجی قائم شهر دارد. در این روزها، در شرایطی که سیستم ترور و خفقان رژیم مزدور شاه بر کشورمان سایه سنگین خود را گسترده بود، رزم قهرمانانه کارگران نساجی قائم شهر بمنظور دستیابی به خواسته های بشری و عدالت خود، ماهیت تمیقا ضد کارگری رژیم را افشاء کرد.

کارگران خواهان افزایش سود ویژه بودند. آنها به نحوه تقسیم این سود و انتخاب نماینده فرمایشی کارگران، برای مجلس شورای ملی معترض بودند. ابتدا رئیس کارخانه، در پی آن بود که با وعده و وعید تو خالی کارگران را از ادامه اعتصاب بازدارد، اما کارگران قریب او را نخوردند و به اعتصاب ادامه دادند. در بعد از ظهر روز دوم (۸ تیر) چکمه پوشان شاه بمنظور ممانعت از ورود کارگران شیفت ۲ به داخل کارخانه وارد عمل شدند. اما علیرغم خسارت ما موران پلیس، کارگران در پی مقاومت دلیرانه خود توانستند به داخل کارخانه راه یابند. پادگان ژاندارمری شیرگاه افراد کفکی به کارخانه فرستاد. پلیس و ژاندارمری با باتون و قنداق تفنگ به کارگران مبارز یسور ش آوردند و عده ای را شدیداً مضروب نمودند. کارگران که به هیچ خشم و عصبانیت رسیده بودند، با پرتاب سنگ به نیروهای سرکوبگر به مقاومت خود ادامه دادند. وحشیگری پلیس و ژاندارمری بدنبال مقاومت کارگران اوج یافت. آنها با برزی کارگران آتش گشودند و چندین تن مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. با اینهمه باز کارگران پاسخ گلوله را با سنگ می دادند. ساعت ۱۱ شب، ماشین آب پاش، جهت متفرق ساختن کارگران به محل آمد. کارگران ماشین را بسا پرتاب سنگ متوقف ساختند، راننده اش را مجبور به تسلیم کردند و ماشین را به آتش کشیدند. نبرد نابرابر کارگران قهرمان نساجی قائم شهر با نظامیان مزدور شاه تا ساعت ۳ با امداد ادامه داشت. سرانجام، نظامیان بعد از به شهادت رساندن ۴ نفر و زخمی نمودن عده زیادی از کارگران، توانستند با توسل به گلوله و پرتاب گاز اشک آور کارگران را متفرق سازند. متعاقب این درگیری، به مدت ۹ روز در شهر حکومت نظامی اعلام شد. رزم دلیرانه کارگران نساجی قائم شهر، هیچ حمایت وسیع کارگران و روشنفکران را در پی داشت. دانش آموزان و دانشجویان دانشسرای عالی قائم شهر به نشانه همبستگی با اعتصاب کارگران نساجی، تظاهرات گسترده ای علیه گلوله باران کارگران راه انداختند. این تظاهرات مورد حمایت عمیق گروه های وسیعی از مردم شهر قرار گرفت. در ساری دانش آموزان دست به

شرکت کمیته "همبستگی با ایران" در کنفرانس ایالتی "سبزها"

بنایه دعوت کنفرانس ایالتی حزب سبزها، که به مدت دو روز از ۳۰ ژوئیه در شهر کوبلنز آلمان غربی برگزار شد، کمیته "همبستگی با ایران" در این کنفرانس شرکت نمود. نماینده کمیته در سخنرانی مبسوط خود، ضمن افشای جنایات ددمنشانه حکام شکنجه گر ج.ا.ی. از حاضرین خواست تصادی اعتراض خود را بر علیه شکنجه های وحشیانه و اعدام زندانیان سازمانها ضد امپریالیست و میهن پرست، هرچه رساتر به گوش بشریت تر قیخوای جهان برسانند. شرکت کنندگان در کنفرانس ضمن استقبال شورانگیز از سخنرانی نماینده کمیته، تنفر عمیق خود را نسبت به اعمال وحشیانه رژیم ج.ا.ی. ابراز داشتند و با امضا کارت پستال و ارسال آن به سفارت ج.ا.ی. درین، خواستار شدت در هرچه سریعتر، شکنجه های غیر انسانی و اعدام زندانیان سیاسی ضد امپریالیست در زندانهای قرون وسطایی ایران متوقف شود.

اعتصاب زدند و کارگران چیت سازی، بهشهر حمایت خود را از کارگران قائم شهر اعلام داشتند.

نبرد کارگران نساجی قائم شهر، در شرایطی انجام گرفت که دستگاه جهانی شاه هر گونه تشکل کاری را درهم کوبیده بود، و از سندیکاها و مجامع راستین کاریگری خبری نبود. تحت چنین شرایطی اعتصاب خونین کارگران و تاثیر آن در افشای ماهیت رژیم و گسترش مبارزات خلق، اهمیت ویژه ای داشت.

کارگران قهرمان نساجی و بطور کلی طبقه کارگر ایران، از این اعتصاب درسهای گرانقدری آموختند. کارگران امروز نیز با تکیه بر نجارب آموزنده خود، بیش از پیش، در می یابند که اتحاد و تشکل کارگران شرط ضرور موفقیت آنان در عرصه نبرد با سیستم فلاتکبار سرمایه داری است. آنها امروز نیز، حربه اعتصاب را بمقابله کاراترین حربه، در مبارزه با رژیم کارگر ستیز ج.ا.ی. پکار میگیرند.

رویدادهای جهان

۱. آمریکا مایل به مذاکره برای گنجری از نظامی کردن کیهان نیست

خبرگزاری تاس طی بیانیه ای، موافقت دولت شوروی را درباره پاسخ دولت آمریکا به پیشنهاد اتحاد شوروی در مورد مذاکره برای جلوگیری از نظامی کردن کیهان، اعلام نمود. تاس می نویسد: در بیانیه ای که در واشنگتن عجلانسه منتشر شد، کوششی می شود اصل مساله بطور مشخص تحت الشعاع مسایل دیگر قرار گیرد و موضوع مذاکرات به فراموشی سپرده شود. واشنگتن این شرط را قابل شده است که مذاکره در مورد سلاحهای فضایی با مسایل مربوط به سلاحهای میان برد در اروپا و سلاحهای استراتژیک همراه گردد. اما همه می دانند که مذاکرات مربوط به سلاحهای هسته ای توسط واشنگتن که مشکلات جدید خود را در اروپا مستقر می سازد، عمداً با شکست روبرو شده و دولت آمریکا در جهت همواره ساختن راه برای بحث درباره این مسایل گامی برنداشته و نمی خواهد بر دارد. امروز دولت آمریکا می خواهد ضمن حفظ این بن بست جلوی مذاکرات درباره پیشگیری از نظامی کردن فضا را نیز بگیرد. دولت آمریکا تا آنجا که مربوط به سلاحهای فضایی است، مایل نیست پیشنهاد اتحاد شوروی در مورد ممنوعیت این سلاحها عملی شود، و به همین دلیل از مذاکرات جدی در این باره طفره رفته و می خواهد دست خود را برای تحقق برنامه تبدیل فضا به صحنه اعمال تجار و کارانه باز بگذارد.

خبرگزاری تاس ماموریت دارد اعلام کند که پاسخ دولت آمریکا به بیانیه دولت شوروی به هیچ وجه کافی نبوده و بطور آشکارا این هدف را دنبال می کند که فضا به محل استقرار سلاحهای نابودی جمعی تبدیل گردد. اتحاد شوروی قاطعانه تلاشهایی را که متوجه قرارداد ن پیش شرط برای مذاکره در مورد مسالهای دارای اهمیت حیاتی برای تمام کشورها و جلوگیری از حل آنست، محکوم می کند. پیشنهاد اتحاد شوروی در مورد مذاکره پیرامون پیشگیری از نظامی کردن فضا به قوت خود باقی است.

دعوت "شورای عالی ورزش آفریقا"

به عدم شرکت در المپیک لس آنجلس

"شورای عالی ورزش آفریقا" از کشورهای آفریقایی خواست در بازیهای المپیک لس آنجلس به علت بی توجهی کشورهای غربی به تحریم بین المللی تفاسهای ورزشی با آفریقای جنوبی، شرکت نکنند. این تصمیم بدین دلیل گرفته شد که در ماه ژوئن، علیرغم اعتراضات بین المللی،

یک تیم ورزشی انگلیسی از آفریقای جنوبی دیدار نمود. کشورهای آفریقایی بارها تاکید کرده بودند که در صورت انجام چنین تفاسهای ورزشی که با هدف تبلیغ برای رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی برقرار می گردد، به اقدامات اعتراضی دست خواهند زد.

"هنری زونگو" وزیر ورزش، "ولتای علیا" رئیس شورای عالی ورزش آفریقا، طی یک کنفرانس مطبوعاتی در آدیس آبابا پایتخت اتیوپی اظهار داشت دولت انگلیس کوچکترین گامی در جهت جلوگیری از سفر تیم ورزشی به آفریقای جنوبی برنداشت، و حتی به پیام منگستو هایل مریم، رهبر اتیوپی و رئیس سازمان وحدت آفریقا در این زمینه بی اعتنائی نمود. رئیس شورای عالی ورزش آفریقا افزود این رفتار دولت انگلیس توهمین به سازمان وحدت آفریقا و نقض منشور المپیک است.

در المپیک ۱۹۷۶ در مونترال، ۲۹ کشور آفریقایی به دلیل تفاسهای ورزشی غیرقانونی "زلاند نو" با آفریقای جنوبی از شرکت در این بازیها خودداری ورزیدند.

راهزنی دریایی اسرائیل

روز جمعه ۲۹ ژوئن قایق های جنگی اسرائیل به یک کشتی مسافربری لبنانی که از قبرس عازم بیروت بود، فرمان دادند تا راهی بندر "حیفا" در اسرائیل شود. در حیفا ۹ نفر از مسافرین کشتی لبنانی توسط صهیونیستها بازداشت شدند.

ناخدای کشتی لبنانی پس از ورود به بیروت اظهار داشت کشتی وی هنگام متوقف شدن آن توسط اسرائیلی ها، در آبهای بین المللی حرکت می کرد. کاپیتان کشتی مسافربری مزبور افزود در حیفا همه مسافرین و خدمه کشتی مورد بازجویی و عسبرداری قرار گرفتند. دولت لبنان کشتی ربای اسرائیل را بعنوان راهزنی دریایی و نقض خشن مقررات بین المللی و حقوق بشر محکوم کرد.

همچنین در حمله سربازان اسرائیلی به بندر صیدا واقع در جنوب لبنان که تحت اشغال صهیونیستهاست، گروه زیادی از مردم، از جمله تمام اعضای یک خانواده کشته شدند.

توطئه کودتا در

بولیوی شکست خورد

روز شنبه ۳۰ ژوئن "هرنان سیلوزو" رئیس جمهوری بولیوی توسط یک گروه از نظامیان از اقامتگاه خود روبرو شد. اما این توطئه که با هدف سرنگون کردن دولت دمکراتیک این کشور طراحی شده بود، با مقاومت مردم و نیروهای مسلح مواجه گردیده و شکست خورد. رئیس جمهوری بولیوی پس از ۱۰ ساعت از اسارت کودتاچیان نجات یافت.

به دعوت اتحادیه های کارگری بولیوی، مردم "لاپاز" در تظاهرات عظیمی پشتیبانی خود را از دولت این کشور اعلام کرده و خواهان مجازات عوامل کودتا و تفرج شدن شدند.

"سیلوزو" رئیس جمهوری بولیوی پس از در دست گرفتن مجدد زمام امور دولتی اعلام نمود که همچنان به اتفاق همه مردم این کشور در راه تحقق برنامه دولت در جهت برقراری دمکراسی و نظم، خواهد کوشید.

اعتصابات و اعتراض مردم اروگوئه علیه دیکتاتوری

مردم اروگوئه با برگزاری روز اعتراض ملی خواهان بازگشت به دمکراسی شدند. زحمتکشان مونته ویدئو پایتخت و سایر شهرهای این کشور، دست از کار کشیدند. شبکه حمل و نقل و راه آهن و بارگیری در بندر مونته ویدئو متوقف شد. فروشگاهها، ادارات دولتی و بانکها تعطیل شدند. در دانشگاهها و مدارس بسته ماند و دانشجویان، دانش آموزان، معلمان و استادان به اعتصاب پیوستند. بسیاری از کارفرمایان نیز با اعتصاب همراهی کردند.

نظامیان حاکم در اروگوئه "روز اعتراض ملی" را ممنوع اعلام کرده و زحمتکشان را در صورت شرکت در فعالیت های این روز تهدید به مجازات نموده بودند. سازماندهی اعتراضات از سوی جبهه متحدی از احزاب مخالف انجام گرفت. در طول روز، گشت های تاندان مسلح نظامیان در خیابانهای مونته ویدئو به چشم می خوردند.

ژنرال بازنشسته "لیبر سره نی" رهبر اپوزیسیون اروگوئه روز اعتراض ملی را موفقیت آمیزترین تظاهرات علیه دیکتاتوری نظامی و برای احیا حقوق مردم ارزیابی کرد.

عادی شدن اوضاع "دره پنجشیر"

تحت کنترل حکومت مردمی افغانستان

با گذشت چند ماه از پیرو راندن اشرا ر ضداقلابی از "دره پنجشیر" واقع در شرق کابل، اوضاع در این منطقه خسان از خاک افغانستان به حال عادی باز می گردد. اخیراً ریش سفیدان قبایل ساکن این دره، طی یک گرد همایی، که نمایندگان دهبا قصبه ایسن منطقه، منجمله بازارک، مرسابق، احمد شاه مسعود، سرکرده ضداقلابیون، در آن شرکت داشتند، از دولت مردمی افغانستان اعلام حمایت کرده و ضداقلاب افغانستان را که تحت حمایت سرویس های جاسوسی آمریکا و متحدان ناتوی آن از پاکستان به اعمال خرابکارانه علیه افغانستان انقلابی دست می زند، محکوم نمودند. در دره پنجشیر سازمان یابی نیروهای مدافع انقلاب جریان دارد و با استقبال زیاد مردم روبرو شده است.

آنگون سربازان ارتش افغانستان، که ناحیه پنجشیر را آزاد کردند، در تعمیر جاده ها، پل ها، خانه ها و آبراه ها به مردم محل کمک می کنند. دولت در تأمین آذوقه و کالاهای مورد نیاز، به مردم یاری می رساند و همه ای از پزشکان را به این منطقه فرستاده است.

بازگرداندن "اموال شر" سرمایه داران و ملا

روند پس دادن کارخانه و شرکت
صادر شده در سالهای اول انقلاب،
ابعاد گستره تری به خود می گیرد. طبق
رسیده، کارخانه "تهران سفالین"،
و "لوازم خانگی جاز"، اخیراً به صاحب
سابق آنها، مسترد گردیده اند.

یکی از شهرکهای هوازی نیز به کمپ
دستگاههای قضایی جمهوری اسلامی به مالکان
آنها، مهندس نجفی و قبایی (وکیل دادگستری)،
پس داده شده است. ساکنین این شهرک مجبور
به تخلیه خانه های خود شده اند. مهندس
نجفی و قبایی در بدو انقلاب، به مدت ۶ ماه
زندانی شده و اموال آنها، صادر گردیده بود.

پیگردانشجویان اخراجی

اخیراً پرونده همه دانشجویان اخراجی
از دانشگاهها برای پیگرد و دستگیری آنها، به
زندان وین فرستاده اند.

کملهای مالی رسیده

رفیق مژه از گوتینگن (آلمان فدرال) ۵۰ مارک
رفیق کامیلا ز برلن غربی یک ساعت مچی

رفیق ر. از آخن هدایای شمارسید

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رفقای فدایی در شمال بریتانیا (ولز)

تأمین کردند

AKSARIYAT
NO. 14
FRIDAY. 6 JULY 84

Address
POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

آدرس
آلمان فدرال

P.O. BOX 101
LONDON N17 8YU
ENGLAND

انگلستان

P.O. BOX 66156
LOS ANGELES, CA 90066
USA

ایالات متحده

C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

ایتالیا

P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

هندوستان



اعتصابات کارگری برای افزایش دستمزدها

جنبش کارگری میهنان در ریزخورد با فلاکت
موجود، هرآن تاکید بیشتری بر روی شعار
"افزایش دستمزدها" می کند. حرکت
کارگران حول این شعار، از يك کارخانه به
کارخانه دیگر گسترش یافته و می رود تا به صورت
يك جنبش پرتوان و فراگیر درآید. اخیراً کارگران
چیت باقی ری و کارخانه ایران رادیاتور و فوق
شده اند. با استفاده از اهرم نیرومند اعتصاب
دستمزدهای خود را از ۱۰ تا ۱۵ تومان در روز
افزایش دهند و در جنبان به برخی از خواسته ها
دیگر خود نیز برسند.

جلسات بررسی قانون کار در کارخانه های مختلف

در ماههای اخیر در کارخانه های مختلف
جلسات متعددی برای اعتراض به قانون کار
پیشنهادی حکومت از سوی کارگران، تشکیل
شده است. جمع بند گزارشهای مختلف در این
مورد نشان می دهد که در اکثر این جلسات

آزادی ساواکی ها از زندان

پرنیان رئیس ساواک کریم، و حدود ۶ نفر
دیگر از عناصر رژیم سابق، به مناسبت عید نوروز از
زندان کریم آزاد شده اند. به عده معدود دیگری
که از این عناصر در زندان باقی مانده اند نیز،
قول داده اند که به زودی آزاد شوند.

دولت افغانستان به عشایری که مایلند اسکان یابند کمک می کند

شده اند، برنامه اسکان دا و طلبانه عشایر در
دستور کار قرار گرفته است. دولت به کشاورزان
تازه کار در زمینه ساختن خانه، خرید و سایر
زراعت و بز و گاو و شیمیایی و نیز تأمین آب
آشامیدنی و آبیاری کمک می کند. پروژه های
آبرسانی در سراسر کشور گسترش می یابد، تا هم
برای کشت و زری و هم برای دامپروری، امکانات
بیشتری فراهم آید. مایه کوبی دامها، باعث
کاهش چشمگیر میزان مرگ و میر آنها شده است.
از تجار سو دجو و استثمارگر که دامهای عشایر را به
بهای نازل خریداری می کردند، خلع ید شده و
دولت برای دامها قیمتهای ثابت تعیین نموده
است.

اقدامات مردمی دولت انقلابی افغانستان
از حمایت و سیع عشایر این کشور برخوردار
می گردد. چندی پیش در کابل، گرد همایی
ریش سفیدان چند قبیله کوچ نشین برگزار شد.
شرکت کنندگان در این گرد همایی، حمایت خود
را از تحولات اجتماعی - اقتصادی ای که پس از
وقوع انقلاب شور در کشور انجام گرفته، ابراز
داشتند.

معاون وزارت امور اقوام و قبایلی
جمهوری دیمکراتیک افغانستان اعلام کرد: دولت
این کشور به عشایری که مایلند اسکان یابند، کمک
خواهد نمود تا بتوانند به زراعت و دامپروری
بپردازند. وی افزود: "بلافاصله پس از
انقلاب شور، اسکان عشایر غیر ممکن بود، زیرا زمین
در ملک قبیله دالها و ملاکین و دست نشاندگان
آنان قرار داشت. بهمین دلیل، بلافاصله
پس از انقلاب، کمیت دولتی ویژه کمک رسانی به
قبایل کوچ نشین تأسیس گردید. این نهاد
چندی پیش به اداره امور کوچ نشینان در جنب
وزارت امور اقوام و قبایل جمهوری دیمکراتیک
افغانستان (ج. د. ا. ۱۰) تغییر نام داده است و
عشایر را از لحاظ آب، نفت سفید و دیگر کالاهای
ضروری تأمین می کند. در طول راههایی که
کوچ نشینان در دشتهای بی آب طی می کنند،
چاههای عمیق حفر می گردد. ارگاههای محلی
دولتی، برای کودکان عشایر مدار شبانه
روزی دایر می کنند."
اینک که در نتیجه اصلاحات ارضی،
زحمتکشان هم صاحب زمین زراعتی و هم آب

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا